

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Human rights

حقوق بشر

بهرام رحمانی  
۲۷ جون ۲۰۱۶

## شلاق، اعتصاب غذا، شکنجه، زندان و...

۳

### دانشجویان در جشن فارغ التحصیلی شان شلاق خوردند

۳۵ دختر و پسر، تنها به دلیل شرکت در یک مهمانی فارغ التحصیلی شان شلاق خوردند! اسماعیل صادقی نیازکی دادستان عمومی و انقلاب قزوین گفت ۳۵ دختر و پسر را به خاطر شرکت در جشن فارغ التحصیلی «مختلط» که با «رقص» و نوشیدن مشروبات الکلی همراه بوده، ۹۹ ضربه شلاق زده اند تا «درس عبرتی» برای سایرین باشد.



### موضع سازمان ملل متحد درباره شلاق زدن

روز سه شنبه ۱۱ خرداد ماه [جوزا]، سخن گوی کمیساریائی عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد، در بیانیه ای شلاق زدن این ۳۵ جوان را «غیر قابل پذیرش» خواند و گفت که این سازمان، اقدام جمهوری اسلامی ایران را «محکوم» می کند. سازمان ملل متحد در بیانیه خود اشاره کرده است که این ۳۵ دانشجوی، هفته گذشته در قزوین به خاطر شرکت در یک جشن فارغ التحصیلی دستگیر و طی ۲۴ ساعت همگی شلاق خوردند. سازمان ملل متحد می گوید طبق قوانین حقوق بشری بین المللی، به ویژه کنوانسیون علیه شکنجه، شلاق زدن ممنوع است. سازمان ملل متحد، اقدام مقامات جمهوری اسلامی را غیر انسانی، ظالمانه، و تحقیر آمیز خوانده و گفته اقدام آن ها در شلاق زدن می تواند به منزله شکنجه باشد.

سخنگوی کمیساریائی عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد، همچنین در بیانیه خود به شلاق زدن ۱۷۱۷ کارگر معدن در آذربایجان غربی در ماه جاری میلادی اشاره کرده است که به اخراج ۳۵۰ کارگر از یک معدن طلا اعتراض کرده بودند.

این سازمان، همچنین به پرونده شلاق زدن علنی یک زن به خاطر این که خارج از پیوند زناشویی رابطه جنسی داشته، اشاره کرده است.

سازمان ملل متحد در بیانیه خود از مقامات ایران خواسته است که به مجازات تحقیرآمیز، ظالمانه و غیرانسانی شلاق زدن پایان دهند.

### صدمات شلاق از دیدگاه پزشکی

قرمزی، کبودی، تورم و التهاب موضعی

ایجاد درد و سوزش شدید

زخم‌های سطحی

افزایش ضربان قلب، افزایش تعداد تنفس و بالا رفتن دمای بدن

سنکوپ یا شوک نورولوژیک

عوارض روحی نظیر اضطراب و افسردگی قبل و بعد از اجرای حکم

هموگلوبینوری و میوگلوبینوری یا هماچوری

تغییرات بیوکیمیائی در خون و تغییر در سطح هورمون‌ها

ایجاد صدماتی نظیر آسیب نسوج نرم داخلی یا شکستگی های استخوانی

### اوضاع ایران به اقرار وزیر کشور

۱۷ خرداد ۱۳۹۵، وزیر کشور دولت اسلامی ایران با ارائه آماری از آسیب‌های اجتماعی به مجلس دهم، از وجود ۱۱ میلیون حاشیه‌نشین در ایران خبر داد که سه میلیون نفر از آن‌ها در حاشیه سه شهر تهران، مشهد و اهواز زندگی می‌کنند.

عبدالرضا رحمانی فضلی وزیر کشور، شمار محله‌های حاشیه‌ای را دو هزار و ۷۰۰ محله در کشور اعلام کرد که نیاز به مراقبت، کنترل و ارائه خدمات بیش‌تری دارند.

بیکاری و اعتیاد از دیگر موضوعات اصلی گزارش روز دوشنبه هفدهم خرداد ماه وزیر کشور به مجلس ایران بودند. البته معضل بیکاری به حدی در جامعه ما حاد شده است که حتی اما در صحبت‌های علی خامنه‌ای، رهبر حکومت اسلامی هم مورد اشاره قرار گرفته و تیتیر یک برخی روزنامه‌ها شده است. به عنوان نمونه، روزنامه جوان تیتیر زد: «رهبر انقلاب در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس دهم اولویت مجلس را اقتصاد دانستند: شرمندگی من از دست خالی جوان بیکار کمتر از خود او نیست».

به اقرار رحمانی فضلی رهبر ایران در طول شش ماه گذشته سه بار درباره این موضوع جلسه گذاشته و «هر بار حدود سه ساعت موضوع را با تمام ابعاد و جوانب آن مورد بررسی قرار دادند».

توجه علی خامنه‌ای به آسیب‌های اجتماعی در چند ماه گذشته، در حالی است که کارشناسان از مدت‌ها قبل درباره بروز این معضلات هشدار داده بودند. در مقابل این هشدارها اما او دو سال و نیم پیش خواهان افزایش جمعیت و فرزندآوری

بیشتر شده بود. حالا گویا وضع تغییر کرده است، چرا که وزیر کشور از قول علی خامنه‌ای از ۲۰ سال تاخیر در توجه به آسیب‌های اجتماعی خبر داده و گفته است: «ایشان فرمودند ما ۲۰ سال عقب هستیم. باید ۲۰ سال قبل این مسأله را پیگیری می‌کردیم. همه کسانی که در این حیطه مسئولیت دارند باید اقدامات لازم را انجام دهند».

رهبر جمهوری اسلامی در برخی سخنرانی‌های خود در اردیبهشت ماه امسال هم به همین مسائل پرداخته و خواستار رفع معضلات اجتماعی شده، اما با این رویکرد که دولت و مسؤولان ولی مردم هستند و باید در مقام اولیا در حل مشکلات بکوشند:

او معیارهائی هم برای برخورد با آسیب‌های اجتماعی مشخص کرده و دولت موظف است در زمینه این معیارها، هر سال پنج درصد موفقیت کسب کند.

به این ترتیب، زنگ خطر برای خامنه‌ای و وزیر کشور و مجلس‌شان به صدا درآمده است! وزیر کشور می‌گوید: «آسیب‌های اجتماعی یک موضوع میان‌بخشی و بستر و زمینه همه تحرک‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی در جامعه است».

وزیر کشور ایران گفته است: «اگر آسیب‌های اجتماعی را در بعد خانوار ضرب کنیم، عدد بالائی به دست می‌آید که زمینه نارضایتی را فراهم می‌کند. اگر فقر و برخی دیگر از نارضایتی‌ها را اضافه کنیم رقمی خواهد بود که در بررسی‌ها و تحلیل‌های ما باید جای خاصی داشته باشد. ما به اعتماد اجتماعی و انسجام اجتماعی نیاز داریم. اگر با انبوهی از جمعیت مواجه شویم که باعث کاهش انسجام اجتماعی شود یا اقداماتی انجام دهیم که امید به آینده را کم‌رنگ کند یا باعث کم‌شدن تحرک و افزایش یاس در مردم شود، با توجه به مداخلات تبلیغات و فشارهای سیاسی می‌تواند ما را در برخی از شرایط دچار اشکال کند».

در واقع آنچه که رهبر و وزیر کشور حکومت اسلامی، به زبان آورده‌اند علاوه بر این که جنبه تبلیغاتی دارد اما همزمان از به صدا در آمدن زنگ خطر جدید درباره این معضلات خبر می‌دهد. آمارهائی که ارائه می‌شوند، آمارهای مهم و تکان‌دهنده‌ای هستند. این همه حاشیه‌نشین و بیکار و فقر و به تبع آن‌ها آسیب‌های اجتماعی، این پتانسیل را دارند که حکومت را از نظر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بی‌ثبات کنند.

تغییرات و تحولات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در ایران، با توجه به بالا رفتن سطح سواد، رشد ارتباطات و ابزارهای تکنولوژیک، دسترسی بیشتر مردم به اطلاعات، آگاهی طبقات محروم جامعه و در پیشاپیش همه طبقه کارگر، زنان، دانشجویان و جوانان، روشنفکران و هنرمندان و... روندی متفاوت با آنچه مورد نظر سران حکومت اسلامی است در جریان است. نتیجه این حرکت‌ها، هم شکل گرفتن سبک‌های زندگی تازه و متفاوت با خواست و اراده سران حکومت اسلامی و مطالبات مردمی با معیارهای جهان‌شمول امروزی است!

برای مثال، یکی از شیوه‌های برخورد فعلی حکومت اسلامی با نشانه‌های بیرونی تغییرات اجتماعی «گشت ارشاد» و «پلیس مخفی» است که به شکلی جدی زنان و آزادی‌ها را هدف قرار می‌دهد. وزیر کشور ادعا می‌کند که این گشت‌ها را مرتبط با موضوع بحث نمی‌داند، اما در عین حال وزارت کشور قوانینی را که مجلس یا شورای عالی انقلاب تصویب کنند اجرا می‌کند: «ما باید هزینه‌های اجتماعی را کاهش بدهیم. در مجلس قبل نیز سؤال شد و من توضیح دادم که یک دستگاه به‌تنهایی نمی‌تواند وظایف همه دستگاه‌ها را اجرائی کند».

او از تذکر گرفتن بیش از ۲۳۰ هزار نفر (تنها در حوزه آسیب‌های اجتماعی) در سال ۱۳۹۴ خبر داد که این افراد به‌کلانتری برده شده‌اند. برخورد با مهمانی‌هائی که در رسانه‌های داخلی با عنوان‌های مختلط و شبانه به آن‌ها پرداخته می‌شود و جلوه‌های دیگری از سبک زندگی غیراسلامی و مدرن خوانده می‌شوند هم در روزهای اخیر شدت یافته است.

غلامحسین محسنی اژه‌ای در نشست مطبوعاتی خود که روز چهارشنبه ۱۲ خرداد ماه برگزار شد، از سیستم‌های اطلاعاتی و انتظامی خواسته بود تا این موضوع را پیگیری کنند. او بر برخورد شدید قوه قضائیه با بازداشت‌شدگان تأکید کرد.

### آمارهای متفاوت و متناقض بیکاری

در گزارش وزیر کشور به مجلس شورای اسلامی، به‌وجود سه و نیم میلیون نفر بیکار در سطح کشور اشاره شد که توزیع آن‌ها در نقاط مختلف کشور متوازن نیست و در برخی مناطق ۵۰ تا ۱۰۰ درصد بیکاری وجود دارد. البته ناگفته نماند که مقامات حکومت اسلامی ایران درباره بیکاری و معضلات اجتماعی و تورم و گرانی و غیره، آمارهای متناقض و متفاوتی می‌دهند. برای مثال، ۱۶ خرداد ۱۳۹۵، محمد قاسمی، معاون پژوهش‌های اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران در گزارشی جمعیت افراد بیکار و «دارای اشتغال ناقص» در ایران را ۶/۵ میلیون نفر اعلام کرده است.



به گزارش خبرگزاری مهر، قاسمی یکشنبه ۱۶ خرداد در جلسه علنی مجلس گزارشی از وضعیت اقتصادی ایران ارائه داد و در آن نرخ رشد اقتصادی ایران را نسبت به منابع صرف شده و سایر کشورها قابل توجه ندانست. معاون پژوهش‌های اقتصادی مجلس گفت که جمعیت شش و نیم میلیونی بیکار در ایران «از جستجوی شغل دل‌سرد شده‌اند و به‌خارج از بازار کار رفتند».

مرکز آمار جمهوری اسلامی ایران در فروردین ۱۳۹۵، میانگین نرخ بیکاری سال ۱۳۹۴ را ۱۱ درصد اعلام کرد. بر اساس این آمار جمعیت افراد شاغل در ایران ۲۱ میلیون و ۹۷۲ هزار نفر است که از این تعداد دو میلیون و ۷۲۹ هزار نفر بیکار هستند.

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی ایران یک ماه پیش از اعلام شدن این آمار از بیکاری دست‌کم شش میلیون نفر در ایران خبر داده بود. براساس تعریف وزارت کار جمهوری اسلامی، فردی که در هفته آمارگیری یک ساعت کار کند شاغل محسوب می‌شود.

درباره اعتیاد هم به‌گفته وزیر کشور، آمار به دست آمده بر مبنای شاخص‌های سازمان ملل، از وجود نزدیک به یک و نیم میلیون نفر معتاد به مواد مخدر در کشور خبر می‌دهد. روند اعتیاد از مواد سنتی به‌مواد صنعتی تبدیل شده است که این مواد پرخطرند.

وزیر کشور اقرار کرده است که: اگر یک و نیم میلیون نفر معتاد را در بعد خانوار یعنی چهار نفر ضرب کنیم، چیزی حدود پنج تا پنج و نیم میلیون نفر گرفتار این آسیب هستند. حدود ۶۰ درصد از زندان رفتن‌ها (مستقیم و غیر مستقیم)،

۵۰ درصد طلاق‌ها و ۴۶ درصد سرقت‌ها به دلیل اعتیاد است. سالی ۶۰۰ هزار نفر زندانی داریم که از این تعداد ۲۰۰ هزار نفر رسوب داریم یعنی کسانی که در زندان می‌مانند. این رقم، رقم بالائی است که می‌تواند مخرب باشد.

یک اقتصاددان می‌گوید که حکومت رکود اقتصادی را جدی نمی‌گیرد و جمعیت بیکاران ایران شش میلیون نفر بیشتر از آمار رسمی است. محسن رنایی اصفهانی می‌گوید که دولت در یک دهه گذشته تنها یک میلیون شغل ایجاد کرده و تعداد کارگاه‌های صنعتی دو هزار واحد کاهش یافته است.

محسن رنایی اصفهانی عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی اصفهان جمعیت بیکار ایران را ۱۰ میلیون نفر عنوان کرد و گفت: «تعداد بیکاران به صورت رسمی ۴ میلیون نفر و گاهی به صورت غیر رسمی ۶ میلیون نفر اعلام می‌شود. اما با نگاه اقتصادی ما باید تمام دانش‌آموختگان عالی کشور را که شاغل نیستند، بیکار حساب کنیم با این نگاه ۱۰ میلیون نفر بیکار داریم».

او رکود اقتصادی ایران را «بسیار جدی» توصیف کرد و افزود: «طولانی‌ترین رکود اقتصادی را تجربه می‌کنیم». به گفته رنایی از سال ۸۴ تا ۹۳ تنها یک میلیون فرصت شغلی در ایران ایجاد شده است. این اقتصاددان این وضعیت را نشانه «رکود جدی» دانست و گفت که «نظام سیاسی این رکود را جدی نمی‌گیرد».

رنایی در توضیح این وضعیت کاهش تعداد کارگاه‌های صنعتی را شاهد گرفت و گفت: «تعداد کارگاه‌های صنعتی بالای ۱۰ کارکن از ۱۶ هزار واحد در سال ۸۳ به ۱۴ هزار واحد در سال ۹۲ کاهش یافته است. این نشان می‌دهد که ما ۱۰ سال است در رکود مستمر قرار داریم».

این کارشناس اقتصادی با بیان این‌که «در نظام سیاسی همه چیز جدی است، جز رکود»، سیاست‌های اقتصادی دولت یازدهم را مورد نقد قرار داد و گفت: «دولت یازدهم هم با رکود برخورد نکرد و بیشتر به فکر کنترل تورم بود و حتی برخی سیاست‌ها همچون افزایش نرخ مالیات‌ها به رکود دامن زد». رنایی از دولت خواست که «راحت دیگری برای خروج از رکود پیدا کند».

او همچنین «بازنشستگان و مستمری‌بگیران» را یکی از «بحران‌های جدی» نظام سیاسی و اقتصادی دانست و گفت: «نظام سیاسی و مدیریتی داستان بحران مستمری‌بگیران و بازنشستگان را جدی تلقی نکرده است».

بر اساس اعلام مرکز آمار جمهوری اسلامی جمعیت بازنشستگان چهار میلیون و ۴۹۱ هزار تن است. این مرکز همچنین جمعیت شاغل ایران را بیش از ۲۲ میلیون نفر اعلام کرده است. اما علی ربیعی یک ماه قبل گفته بود که ۶/۵ میلیون تن از شاغلان در «مشاغل غیررسمی» فعالیت دارند.

## اعتصاب غذا در تاریخ

اعتصاب غذای زندانیان پدیده‌ای نو و قرن بیستمی است و در جریان جنبش‌های استقلال طلبانه ایرلند و هند و ماجرای حق رأی زنان در بریتانیا ابداع شده است. اما این عمل ریشه در تاریخ دارد و در قرون وسطا در ایرلند، هند باستان و روم باستان سابقه داشته است.

حتی تیرئوس جوان هم دست به اعتصاب غذا زد تا پدرش ژولیوس سزار به او اجازه سفر به رودز را بدهد. او فقط چهار روز غذا نخورد ولی در سال ۲۵ بعد از میلاد، مردی رومی به نام کرموتیوس کوردوس، در اعتراض به محدودیت آزادی بیان، آن قدر غذا نخورد تا مرد.

در قرون وسطا در ایرلند، رسم بر این بود که مردم جلوی در خانه کسی که در حق آن‌ها بی‌عدالتی یا ظلم روا داشته بودند، می‌نشستند و غذا نمی‌خوردند. اگر اعتصاب‌کننده غذا می‌مرد، خون او بر گردن صاحب خانه بود و ممکن بود خانواده متوفی به‌خونخواهی بر بیایند.

دیوید برسفورد، در کتاب ده مرد مرده می‌نویسد: «در ایرلند حتی کشیشان و بر اساس برخی حکایت‌ها و افسانه‌ها سنت پاتریک قدیس هم دست به اعتصاب غذا زده‌اند. بر اساس افسانه‌ها، سنت پاتریک در اعتراض به خدا، چهل و پنج روز لب به غذا نزد تا سرانجام خدا کوتاه آمد».

در هند باستان، معترضان بیرون درگاه خانه کسانی که فکر می‌کردند علیه آن‌ها مرتکب کوتاهی یا خطائی شده‌اند (اغلب بدهکاران) می‌نشستند و لب به غذا نمی‌زدند. این رسم در هند به‌دست‌کم ۴۰۰ تا ۷۵۰ سال قبل از میلاد مسیح برمی‌گردد، و در حماسه سانسکریت رامایانا نیز از آن یاد شده است. این رسم در سال ۱۸۶۱ میلادی ممنوع شد.

در سال ۲۰۰۶، اسناد طبقه‌بندی شده تازه‌ای از دولت بریتانیا، نشان داد که وینستون چرچیل ترجیح می‌داده مهاتما گاندی در طول اعتصاب غذایش در سال ۱۹۴۲ در زندان بمیرد. با این حال، اعضای کابینه جنگ چرچیل موفق شدند متقاعدش کنند که این فاجعه خواهد شد.

مهاتما گاندی، در طول زندگی خود در دهه‌های ۱۹۲۰، ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰، هفده بار دست به اعتصاب غذا زد. اغلب این اعتصاب‌ها اعتراض به‌قوانین بریتانیا و اعتصابش در سال ۱۹۴۸ اعتراض به‌خشونت‌ها میان هندویان و مسلمانان و با هدف متوقف کردن خشونت‌های مذهبی داخلی بود. وی اعلام کرد تا توقف خشونت‌ها چیزی نخواهد خورد و موفق هم شد؛ او سرانجام وقتی اعتصاب غذای خود را شکست که شورشیان با چشم‌های اشک‌بار، کاردهای خود را پیش پای او به‌زمین گذاشتند.

### روبرت جرارد بابی ساندرز

در سال ۱۹۸۱، یک عضو ۲۷ ساله در ارتش سری جمهوری‌خواه ایرلند به‌نام «بابی ساندرز» در زندان بلفاست دست به اعتصاب غذا زد. او به‌جرم حمل اسلحه زندانی بود و به‌رفتار با زندانیان اعتراض داشت. اعتصاب غذای او توجهات عمومی فراوانی را برانگیخت و در پی مرگ یک نماینده ایرلند، با رأی مردم به‌نماینده‌گی ایرلند در پارلمان بریتانیا انتخاب شد. بریتانیا حاضر به‌پذیرش این رأی نشد و به‌خواسته‌های ساندرز و دیگر زندانیان ایرلندی تن نداد. بابی ساندرز در پی تحمل ۶۶ روز گرسنگی درگذشت.



بابی ساندرز

مارگارت تاچر، نخست‌وزیر وقت انگلستان، در پاسخ به‌سوالی در مجلس عوام اعلام داشت که، «آقای ساندز یک مجرم محکوم شده بود. وی تصمیم گرفت که جان خود را از دست بدهد».

تاچر در دهه هشتاد میلادی از پذیرش عنوان «زندانی سیاسی» برای مخالفان محبوس خود در سرزمین‌های شمالی بریتانیا خودداری می‌کرد و در واکنش با اعتصاب غذای این زندانیان رویبرو شد.

بابی ساندز، یکی از مبارزان استقلال ایرلند شمالی از بریتانیا که به‌جرم حمل سلاح گرم و عضویت در سازمان نظامی ارتش آزادی‌خواه ایرلند بازداشت شده بود، پس از ۶۶ روز اعتصاب غذا در ماه مه ۱۹۸۱ میلادی در زندان بلفاست جان باخت و به‌یکی از قهرمانان این جنبش آزادی‌خواهی ایرلند بدل شد. مرگ بابی ساندز بر نفرت مردم از تاچر افزود.

روبرت جرارد بابی ساندز (**Robert Gerard "Bobby" Sands**) یکی از اعضای داوطلب ارتش مشروط جمهوری ایرلند و نیز عضو پارلمان بریتانیا بود که در در زندان «اچ‌ام پریون میز» (**HM Prison Maze**) در پی اعتصاب غذای طولانی‌مدت درگذشت.

ساندز در ۵ می ۱۹۸۱، پس از ۶۶ روز گرسنگی در سن ۲۷ سالگی در بیمارستان زندان لانگکش درگذشت. در گزارش اولیه پزشکی قانونی اعلام شد که دلیل مرگ ساندز و دیگر اعتصاب‌کنندگان «گرسنگی خودتحمیلی» بوده است. اعتراضات خانواده‌های اعتصاب‌کنندگان باعث شد که این عبارت به «گرسنگی» تغییر یابد. ساندز اولین نفر از مجموع ده نفری بود که جان خود را برای کسب حقوق زندانیان سیاسی از دست دادند.

اعلام خیر مرگ بابی ساندز باعث بروز ناآرامی در مناطق ملی‌گرای ایرلند شد. بیش از صد هزار نفر در مراسم خاکسپاری وی شرکت نمودند. ساندز در زمان مرگ به مدت ۲۵ روز عضو پارلمان انگلستان بود اگرچه هنوز ادای سوگند نکرده و بر کرسی خود تکیه نکرده بود.



#### مادر، خواهر و پسر بابی ساندز در مراسم خاکسپاری وی

در مورد ساندز کتاب‌ها و اشعار زیادی نوشته شده و فلم‌هایی نیز در ستایش از حماسه وی ساخته شده است. وی یک شاعر، انقلابی و آزادی‌خواه بود که در کنار نه تن دیگر از یارانش نشان داد استعمار پیر هنوز سعی دارد سلطه خود بر باقی‌مانده امپراتوری‌اش را به هر قیمت ممکن حفظ نماید. وی در جمله معروفی و با پیش‌بینی پیروزی جنبش استقلال ایرلند در آینده چنین گفت: «انتقام ما خنده کودکانمان خواهد بود!» با گذر زمان وی در صفحات تاریخ محو نشد بلکه هم‌اینک روح مبارز وی در تلاش‌ها و جنبش جوانان ایرلندی برای کسب استقلال از بند استعمارگران انگلیس تلالو یافته است.

## فلم گرسنگی ساخته استیو مک کونین

فلم گرسنگی، ساخته استیو مک کونین در سال ۲۰۰۸، درباره اعتصاب غذای زندان «میز» (Maze)، ایرلند نشان می‌دهد که گرسنگی کشیدن تا مرگ چهقدر ترسناک و دردناک است. در این فرایند، بدن در واقع «خود» را مصرف می‌کند. پس از حدود سه روز، کبد شروع به شکستن چربی‌های بدن می‌کند. بدن برای جبران این واکنش، متابولیسم خود را کند می‌کند ولی پس از حدود سه هفته ناگزیر می‌شود ماهیچه‌ها و اندام‌های حیاتی خود را برای کسب انرژی بکاود و مصرف کند.

پوست بدن مومی شکل می‌شود، بدن از خود بوئی ترش متصاعد می‌کند و نفس بوی شیرینی همچون بوی گلابی می‌گیرد.

مرگ شخص در پی بی‌آبی، تحلیل بدن و از کار افتادن دردناک اندام‌های درونی، و بیش از هر چیز کلیه‌ها و کبد فرا می‌رسد.

## غذا خوراندن به زور

از سال ۱۹۰۵ تا آغاز جنگ جهانی اول حدود ۱۰۰۰ طرفدار حق رأی زنان در بریتانیا به زندان افتادند. در ۱۹۰۹، ماریون دانلوپ یکی از فعالان حقوق زنان، که در زندان دست به اعتصاب غذا زده بود، سه روز و نیم پس از آغاز اعتصابش آزاد شد.

## اعتصاب غذای سوسیالیست‌های ترکیه در دوره کودتا

می‌توان گفت که اولین اعتصاب غذای بزرگ و جمعی در زندان‌های ترکیه، اعتصاب زندانیان سیاسی کرد (از جمله بعضی از بنیان‌گذاران پ.ک.ک در سال ۱۹۸۲ در زندان دیاربکر بود. این اعتراض دقیقاً پس از کودتای ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰ صورت گرفت. زندانیان سیاسی کرد، در ۱۴ جولای ۱۹۸۲، علیه فاشیسم دولت ترکیه، شکنجه در زندان‌ها و دولت کودتا، اعتصاب را آغاز کردند. «کامل پیر» که یک سوسیالیست ترک و از بنیان‌گذاران پ.ک.ک بود، هیری دورموش، اکیف نیلمز و علی چیچک در این اعتصاب جان باختند. زندانیان پ.ک.ک در ۱۹۸۴ نیز در همان‌جا، با همین اهداف اعتصاب غذا کردند و دو نفر از اعتصاب‌کنندگان جان باختند. اعتصاب غذاهایی که در دیاربکر برای اعتراض به حکومت نظامی شروع شد، به زندان‌های آنکارا و استانبول نیز گسترش پیدا کرد.

در سال ۱۹۸۴ در زندان متریس آنکارا، ۴۰۰ نفر از زندانیان سوسیالیست ترک نیز در اعتراض به شرایط زندان و شکنجه اعتصابی را آغاز کردند که در آن ۴ نفر جان باخت. بعد از عقب‌نشینی دولت و به‌خصوص با رفع تحمیل پوشش لباس زندانی به زندانیان، این اعتصاب در ۱۹۸۶ به پایان رسید. مقاومت زندان متریس در ۱۹۸۴، برای اولین بار نشان داد که حمایت خانواده‌های زندانیان سیاسی (که در انجمنی به اسم «تید» سازمان یافته‌اند) از اعتصاب، چگونه می‌تواند روی دولت ترکیه فشار ایجاد کند.

در سال ۱۹۹۶، دولت تصمیم گرفت که زندانیان سیاسی را به سلول‌های انفرادی (زندان‌های نوع اف که از طرف سوسیالیست‌ها «تابوت» نامیده می‌شدند) محکوم و محدود کند. علیه این اقدام، وسیع‌ترین اعتصاب غذا در آن دوره، با اتحاد یازده حزب سوسیالیست سازمان یافت. از ۱۵۲۹ مبارزی که در این اعتصاب شرکت کردند، ۱۲ نفر جان باختند و در نتیجه این شرایط وزیر دادگستری وقت، مجبور به استعفاء شد. بعد از ۶۹ روز دولت اعلام عقب‌نشینی کرد و اعتصاب به پایان رسید. اما با این وجود این عقب‌نشینی، در زندان‌های دیاربکر، بوجا، عمرانیه و اولوجانلار قتل‌های



عامی از زندانیان مبارز سوسیالیست صورت گرفت. می‌شود چنین گفت که این قتل‌های عام در واقع نشان‌دهنده نزدیک شدن سرکوب بزرگتری بود...

اما تأثیرگذارترین و بزرگترین اعتصاب غذای تاریخ ترکیه از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۶ از طرف زندانیان سیاسی سوسیالیست، برای اعتراض به زندان‌های نوعاف (F tipi)، قانون «مبارزه با ترور» و جلوگیری از معالجه پزشکی زندانیان سیاسی بیمار انجام شد. در این اعتصاب و قتل‌عام موسوم به «بازگشت به زندگی» (hayata dönüş operasyonu) که با مداخله نظامی دولت در زندان برای جلوگیری از اعتصاب صورت گرفت، ۱۲۲ نفر جان باختند. عده‌ای از جان‌باختگان زندانیان و خانواده‌های ایشان بودند که با وجود آزادی خود، از مطالباتشان صرف‌نظر نکردند و در خانه‌هایشان در محل کارگرنشین «کوچک ارموتلو» استانبول، به اعتصاب ادامه دادند. روز ۱۹ دسمبر، تقریباً سه ماه بعد از آغاز اعتصاب غذا، ارتش ترکیه تحت عملیات نظامی «بازگشت به زندگی» به زندانیان حمله کرد و در ۲۰۲۰ زندان، ۲۸ سوسیالیست اعتصاب‌کننده را به قتل رساند. (۴ نفر از زندانیان در اثر سوختن و دیگران با اسلحه پولیس و ژاندارم‌ها کشته شدند)

### «ناظم حکمت را فراموش نکنید: پسر می‌میرد، آزادش کنید!»

این سخن خانم «جلاله» مادر ناظم حکمت است که روی پل «قالای» مردم را صدا می‌زد و روزنامه پخش می‌کرد. این جمله، حزن انگیز، از زبان مادری بود که به‌خاطر مبارزه کمونیستی و عدالت‌جویانه‌اش از هشتم اپریل ۱۹۵۰، در زندان «بورصه» ترکیه اعتصاب غذا کرده بود. ناظم حکمت، شاعر و مبارزی که در زندان هم «وجودش سرشار از شادی درخشانی است». او به‌زندان افتاده است به‌خاطر این که جز جانش چیز دیگری ندارد تا به‌مردم جامعه‌اش هدیه کند.

«من عقلم را از دست نداده‌ام، اما هیچ‌کس به‌حرف‌های من اعتناء نمی‌کند. اگر من نه از افسردگی، نه از غم، نه از ضعف و نه در اثر بحران‌های قلبی راهی را درست تشخیص داده‌ام، معنایش این است که در مبارزه برای به‌کرسی‌نشاندن حق و عدالت چیزی جز زندگی خود نداشته‌ام که نثار کنم. برای آن که تأثیری هر چند کوچک در این مبارزه داشته باشم، حتی راضی به‌مرگ هستم. شکر، که عقلم را از دست نداده‌ام و خوب می‌فهمم چه می‌خواهم بکنم.»

بسیاری از آثار بزرگ ناظم حکمت در زندان خلق شده‌اند. او مرد روشنائی و امید است:

«ساعت ۲۱»

در محوطه زندان زنگ به‌صدا می‌آید

در تمام سلول‌ها بسته می‌شود

این بار زندان کمی به‌دراز کشید

۸ سال

زندگی کاری امید بار است، محبوب من،

زندگی کار جدی است، چنان که دوست داشتن تو.»

ناظم قرار است ۳۵ سال را در زندان باشد و این یعنی تمام زندگی‌اش، بنابراین مبارزه‌اش را در زندان ادامه می‌دهد.

مقدمات جنگ جهانی دوم شروع شده، ناظم خطاب به‌موسولینی و فاشیزم حاکم بر ایتالیا کتابی با عنوان «نامه‌هایی به‌تارانتا بابو» منتشر می‌کند. این کتاب حاوی اشعار سیاسی است. او همیشه و همواره در طول تاریخ فریاد می‌زند:

«هنوز آن روز فرا نرسیده است، پرچم‌هایتان را نبندید

گوش فرا دهید، آنچه را می‌شنوید، زوزه شغالان است  
صف‌هایتان را فشرده‌تر کنید بچه‌ها،  
این نبرد، نبرد با فاشیسم است، نبرد آزادی است.»



ناظم در زندان «بورسه» است. جنگ جهانی دوم هم تمام شده و نسیم آزادی کم کم وزیدن گرفته است. از طرفی فشارهای زیادی برای آزادی ناظم حکمت - شاعر آزادی و صلح - به‌دولت ترکیه وارد می‌شود، اما هیچ امیدی به آزادی نیست. این‌جاست که او دست به اعتصاب غذا می‌زند. «اوکتای رفعت» (پسر کاکای ناظم)، «اورهان ولی» و «ملک جودت» هم بیرون از زندان اعتصاب کرده‌اند، جوانان دست به تظاهرات می‌زنند، خواننده معروف امریکائی «پل رابسون» در ایالات متحده فراخوانی خطاب به مردم منتشر کرده، عده زیادی از مردم در برابر کنسولگری ترکیه در نیویارک اجتماع کرده و خواهان آزادی ناظم حکمت هستند. «ژان پل سارتر»، «لویی آراگون»، «پابلو پیکاسو» به نمایندگی از روشنفکران فرانسه نامه‌ای به سفیر ترکیه نوشته‌اند، «پابلو نرودا» و «نیکلاس گیلن» از امریکای جنوبی به‌پا خاسته‌اند، دیوارهای «آنکارا»، «ازمیر» و «آدنا» پر از شعارهایی مبنی بر آزادی اوست. «مایکل گولد»، «بن فیلد»، «هوارد فاست»، «ویلیام پترسون» و دیگر نویسندگان امریکائی به‌وزیر امور خارجه وقت «اچسون»، تلگرام فرستاده و افراد می‌خواهند از نفوذ امریکا در ترکیه استفاده کند، «لوده میسین» شاعر انسان‌دوست یونانی، نویسندگان بلغاریا و دیگران نامه‌هایی به سفارتخانه‌های ترکیه در کشورشان می‌فرستند.

ناظم هیجدهمین روز اعتصاب غذا را هم گذراند و از آزادی خبری نشد. بالاخره در شانزدهم ماه مه ۱۹۵۰ انتخابات آغاز شد. حزب دموکرات بر سر کار آمد. شعار عفو عمومی که در برنامه انتخاباتی این حزب آمده بود، عملی شده و ناظم بعد از ۱۲ سال و ۵ ماه و ۱۶ روز دوباره آزادی را نفس کشید. زندگی او سرشار از فراز و نشیب است: تهدید، تبعید، زندان، فرار، مبارزه، و از همه مهم‌تر جدائی؛ جدائی از خانواده، همسر، فرزند و...، جامعه‌اش که او را می‌پرستید:

«بعضی انواع گیاهان را می‌شناسند و بعضی انواع ماهیان را

من انواع جدائی را

بعضی نام ستارگان را حفظ دارند

من نام حسرت‌ها را.»

ادامه دارد